



## بیانات معظم له در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) - 10 / تیر / 1378

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم این عید سعید و بزرگ را به همه‌ی امت اسلامی و بخصوص به ملت مسلمان و بزرگ ایران و به شما حضار محترم در این مجلس تبریک عرض می‌کنم. در مقیاسهای بشری، مبارک بودن يك مولود و يك ولادت، به آثاری است که بر آن ولادت مترتب می‌شود؛ چه مستقیم و چه غیرمستقیم. اگر این مقیاس، مقیاس درستی است - که هست - باید عرض کنیم، مبارکترین مولودی که در طول تاریخ متولد شده است، وجود مقدس نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است. این برکات، از لحظه‌ی ولادت شروع می‌شود؛ این عجیب هم نیست. حضرت عیسی علیه الصلوة والسلام در آغاز ولادت فرمود: «و جعلنی مبارکاً این ما کنت» (48). مبارک بودن خود را از اولین ساعات یا اولین روزهای ولادت اعلام کرد. در مورد پیامبر ما نیز همین طور است.

آنچه تواریخ ثبت کرده‌اند که کنگره‌ی کاخ کسری فرو ریخت، یا آتشکده‌ی قدیمی خاموش شد - و از این قبیل علائم و نشانه‌هایی که ثبت شده است - اینها همه مبشرات برکات وجود این موجود عظیم است. (49) هر آنچه در این عالم بر اساس حاکمیت شرک و کفر و استبداد و ظلم و تفرقه بین آحاد انسان وجود داشته است، باید به برکت وجود این انسان والا و ممتاز و بی‌نظیر، بتدریج زایل شود. آنچه آن بزرگوار در مقام عمل و مجاهدت بر عهده گرفت، سنگینترین بخش این کار بود. شروع این راه و آغاز این دعوت، مهمترین بخش این کار محسوب می‌شد.

اشکال دنیای آن عصر این بود که آحاد مردم و طبقات جامعه در همه جای عالم، به حاکمیت غیر خدا، به حاکمیت طاغوتها، به حاکمیت ظلم و به اختلاف طبقات خو گرفته بودند. چه کسانی باید در مقابل این مظاهر بایستند؟ قاعدتاً مظلومان. وقتی مظلومان خودشان هم باور می‌کنند که باید حاکمیت ظلم مستقر باشد، امید اصلاح از بین می‌رود. بیدار کردن مردم، بیدار کردن دنیا و بیدار کردن بشریت، کار بزرگ پیامبر اکرم و دعوت نبوی بود؛ «ان هو الا ذکر للعالمین» (50). این ذکر است، یاد است، تذکر است، هشدار است، بیداریش برای همه‌ی بشر است. آن جایی که خود آن بزرگوار متصدی و متحمل این بیداریش شد، جزو سخت‌ترین جاها بود. تعصّبها، قبیله‌گراییها، مسائل شخصی و فردیتها، گوناگون، کار آن بزرگوار را دشوار می‌کرد. آن حضرت مجاهدت سختی را متحمل شد، تا توانست این بن بست بشری را باز کند و این صخره‌ی عظیم را بشکافد. بعد از آن تا امروز، هر کس هر حرکتی کرده است، به دنبال آن بزرگوار و در ادامه‌ی آن راه و با کمک ضرب دست این انسان والا بوده است.

فقط هم مسلمانان نیستند که از تعالیم نبوی بهره گرفته‌اند. دانش امروز دنیا، تمدن امروز دنیا، معرفتی که امروز در این دنیا هست و پیشرفت کاروان بشر، مرهون وجود اوست. این معنا، ادعای ما مسلمانان نیست. همه‌ی مورخان و افراد با انصاف، قبول دارند که پیدایش بیداری علمی در دنیای اسلام، موجب شد که این بیداری از طریق رفت و آمدها، حتی با کشورگشاییها و با جنگهایی که آنها کردند، به نقاط دیگر جهان هم منتقل شود. معارف و تفکرات بشری و این چیزهایی که امروز انسانها به آن توجه دارند - مثل حقوق انسان، مثل آزادی انسان، مثل مساوات افراد بشر، مثل برادری انسانها - همه هدیه‌های این انسان والا است. در اسلام، آنچه بر این حرکت عظیم مترتب شد، تشکیل نظام اسلامی بود. این تعالیم فقط برای آن نبود که بیاید مردم را موعظه کند؛ بل برای این بود که شکل و قالب نظام بشر را طوری ترتیب دهد که حرکت در آن قالب به سمت این هدفها آسان باشد و موانعی وجود نداشته باشد؛ و آن همان نظام اسلامی است.

امروز بحمدالله جوامع اسلامی به اهمیت نظام اسلامی واقف شده‌اند. در طول سالهای متممادی، نویسندگان و



گویندگان بزرگ و دل‌های فراوانی به این سمت متوجه شده‌اند. بیداری اسلامی شروع شده است؛ جوامع اسلامی به اهمیت این ذخیره‌ای که در اختیار آنهاست، واقف شده‌اند؛ البته به همین نسبت هم دشمنیهای دشمنان اسلام زیاد شده است. مرتب مشغول تفرقه‌افکنی و اختلاف اندازی بین ملت‌های مسلمانند تا با تحریک قومیتها و ملیتها و عرقها و تعصبات، هر گروهی را به سمتی بکشند. این نشان‌دهنده‌ی آن است که دشمن فهمیده است آگاهی اسلامی و بیداری اسلامی در محیط مسلمان‌نشین عالم، کار خود را می‌کند. حقیقت هم همین است. یقیناً همین احساس، ملت‌های اسلامی را به سمت نظام اسلامی و به سمت تشکیل امت واحدی اسلامی خواهد کشاند؛ این يك آینده‌ی حتمی است. این دشمنیها هم اثری ندارد. نیروی اسلام بالاتر از این حرفهاست؛ کم‌این‌که در ایران اسلامی، نقطه‌ای که هیچ کس تصور آن را نمی‌کرد، همین بود که نیروی عظیم اسلامی توانست مردم را متحد کند؛ دل‌ها را به هم نزدیک نماید؛ ایمان اسلامی را پشتوانه‌ی این حرکت قرار دهد و يك نظام اسلامی را در این‌جا به وجود آورد. این امری است که اتفاق افتاده است.

منتقدان نظام جمهوری اسلامی، می‌گردند نقطه ضعفها را پیدا می‌کنند. شاید بعضی نقطه ضعفها را ما بیشتر از منتقدان بدانیم. انسان عیوب خودش را بیشتر از دیگران می‌داند. مسأله این نیست که جمهوری اسلامی آیا نقطه ضعف دارد یا ندارد - البته که دارد - مسأله این است که با وجود این نقطه ضعفها، کاری انجام گرفته است و حادثه‌ای اتفاق افتاده است که این حادثه، بزرگترین حادثه در طول تاریخ چند قرن اخیر در دنیای اسلام است؛ یعنی ایجاد حکومت اسلامی؛ حاکمیت احکام دین؛ حاکمیت ارزشهای اسلام؛ بلند شدن پرچم قرآن و تشکیل جامعه بر اساس معارف اسلامی. این مهم است. البته - بلاشک - نقطه ضعف هم وجود دارد. این ضعفها و کوتاهیهای ماست که خودش را بر این جامعه و بر نظام اسلامی تحمیل می‌کند. باید بکوشیم ضعفهای خود را کم کنیم و نظام اسلامی را تقویت و کامل نماییم. آنچه که دشمن نمی‌خواهد، مسلمانان باید به آن توجه کنند. اصل قضیه این است. ایجاد چنین نظامی در دنیای مادی، با این همه دشمنی علیه اسلام، واقعاً معجزه است. این معجزه باز هم اتفاق خواهد افتاد و يك بار دیگر امت اسلامی تشکیل خواهد شد. این هم معجزه‌ی بزرگی است که انجام خواهد شد. البته دشمن که بی‌کار نمی‌ماند. در داخل کشور ما، با امواج رادیویی و کارهای فکری و فرهنگی، سعی می‌کند ایمان مردم - یعنی اصل قضیه - را متزلزل کند. البته تاکنون نتوانسته است و به حول و قوه‌ی الهی هیچ‌وقت نخواهد توانست. ایمان اسلامی، خیلی قوی و عمیق و خیلی سست‌تر از این حرفهاست. به ضعفها تمسک می‌کنند، برای این که اصل را خدشه‌دار کنند؛ در حالی که اینها به هم ارتباطی ندارد. دشمن تلاش خود را می‌کند و بر آن است تا مردم را نسبت به حاکمیت دین، نسبت به این که دین نظام سیاسی دارد، نسبت به مفید بودن و کارآمد بودن این نظام، متزلزل کند. اینها تلاشهای فراوانی است؛ مربوط به امروز هم نیست. بیست سال است که دشمنان این تلاشها را می‌کنند؛ اما جریان اسلام و جریان حرکت اسلامی و نظام اسلامی، مثل يك رودخانه‌ی سیال و فیاض می‌آید و هر گاهی يك بار هم این خلطها و زایدها و مزاحمها و مانعها را از سر راه خود بیرون می‌اندازد و برطرف می‌کند. حالا هم همین کار را خواهد کرد. زایدها و مانعها و مزاحمها که نمی‌خواهند این جریان زلال و صاف و فیاض پیش برود، در مقابل هجوم این جریان طاقت نمی‌آورند و کنار خواهند افتاد و دفع خواهند شد و این جریان ادامه پیدا خواهد کرد. آنچه مهم است، این است که ما امید و توکل و حسن ظن خودمان را به خدا، به این دین، به این معارف و به این احکام از دست ندهیم. اصل این است. آنچه که مایه‌ی پیشرفت است، رسوخ ایمان و امید و اطمینان است. دشمن می‌خواهد این را متزلزل کند. مراقب باشید؛ بخصوص شما خواص، شما مسؤولان، شما روشنفکران، شما گویندگان، شما علمای محترم و دانشگاهیان محترم. ببینید که دشمن می‌خواهد ایمان و امید و اطمینان را متزلزل کند. شما وظیفه‌تان این است که ایمان و امید و اطمینان را مستحکم کنید؛ بقیه‌ی کار را خود این دین با آن قدرت و این ایمان اسلامی با آن توانایی، انجام می‌دهد. ما دنباله‌ی جریان دین حرکت می‌کنیم؛ نه این که ما بخواهیم این جریان



را راه ببریم؛ مگر ما چه کسی هستیم؟! دشمن خیال می‌کند که این جریان به اشخاص وابسته است. بنده و امثال بنده چه کسی هستیم که بخواهیم این جریان را راه ببریم؟! این جریان است که ما را هم با خود می‌برد. به فضل الهی، این جریان حادث شده و پیش آمده است؛ متوقف شدنی هم نیست؛ دشمن هم بی‌خود خود را معطل می‌کند. فضل پروردگار از اول انقلاب شامل حال ما بوده است و ما به وضوح دست قدرت الهی را دیده‌ایم؛ به وضوح تفضلات حضرت بقیةالله‌الاعظم ارواحناله‌الفداء را دیده‌ایم و حس کرده‌ایم و در قضایای گوناگون، همان چیزی که به ما وعده داده شده است - «کزرع اخرج شطأه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه» (51)؛ و مصداق آن، همین حرکت شما مردم مسلمان است - تحقق پیدا کرده است.

امیدواریم که خداوند ان‌شاءالله برکات و تفضلات و فیوضات خود را بر روح مطهر امام بزرگوار ما - که او سلسله‌جنبان این کار و رهبر حقیقی این راه و استاد و پیشرو واقعی ما بود - نازل کند و ارواح طیبه‌ی شهدا را که با جان خود، این حرکت را آسان کرده‌اند، از رحمت واسعه‌ی خویش مستفیض نماید و ان‌شاءالله برکاتش را بر ملت بزرگ ایران - بخصوص به ایثارگران - نازل گرداند و مسؤولان محترم نظام را که بحمدالله با جدّ و جهد مشغول کار هستند، موفق و مؤید قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(48) مریم: 31

(49) بحارالانوار، ج 15، ص 288

(50) یوسف: 104

(51) فتح: 29